

بعث همگانی

○ یحیی آریابخشایش

۲۰۳

اشاره

پیش از این ، مجله ای که در اواخر ۱۳۴۲ ش با نام بعثت ، ارگان دانشجویان حوزه علمیه قم ، منتشر می شد ، در دو نوبت با همان عنوان و به صورت کتابی مستقل در اختیار علاقه مندان به تاریخ انقلاب اسلامی قرار گرفته است ؛ مرتبه اول در ۱۳۷۶ ش ، با گردآوری و مقدمه علی حجتی کرمانی و توسط انتشارات «سروش» ، که در آن گردآورنده در مقدمه ای ضمن بیان چگونگی تصمیم به انتشار بعثت در هیئت کتاب به فعالیت طلاب حوزه علمیه قم در آن سالها پرداخته ، از برخی همکاران و نویسندگان مجله بعثت سخن به میان آورده است . مرتبه دوم ، بعثت را سیدهادی خسروشاهی - که او نیز همچون علی حجتی کرمانی از دست اندرکاران انتشار و توزیع بعثت بود- در ۱۳۷۹ با همکاری دو مؤسسه انتشاراتی «کلبه شروق» و «مرکز بررسیهای اسلامی» در قالب کتاب روانه بازار نشر کرد. او همه شماره های منتشر شده بعثت در فاصله ۲۳ آذر ۱۳۴۲ / ۲۷ رجب ۱۳۸۳ تا ۱۰ خرداد ۱۳۴۳ / ۲۹ محرم ۱۳۸۵ (مجموعاً چهارده شماره) را در اختیار داشت و توانسته بود همه آنها را بیش از ۳۵ سال از گزند حوادث روزگار در امان نگه دارد.

خسروشاهی در مقدمه کتاب به مسائل و موضوعات متعددی پرداخته هر کدام را که با تهیه مطالب و مقالات و انتشار و توزیع مجله بعثت ارتباطی پیدا می کردند ، به گونه ای مورد

توجه قرار داده است .

از جمله ، برخورد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) با بعثت ، به منظور جلوگیری از ادامه انتشار آن و توفیق دست اندرکاران نشریه در چاپ و توزیع مخفیانه آن ، ناتوانی و شکست مأموران ساواک در شناسایی همکاران و نویسندگان و جلوگیری از انتشار بعثت را تشریح نموده است . او از اسنادی که مأموران ساواک به هنگام انتشار نشریه تهیه کرده بودند ، بهره برده ، به فراخور موضوع ، آنها را گزارش کرده است .

اکنون که فرصت پرداختن به نشریه بعثت بر اساس اسناد ساواک پیش آمده است لازم می نماید که علاوه بر استفاده از اسناد گزارش شده در کتاب فوق ، به معرفی و چگونگی انتشار و توزیع مجله بعثت در نخستین سالهای پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بپردازیم . در این معرفی صرفاً به اسناد مزبور تکیه و از مراجعه به منابع دیگر - به جز در مواردی انگشت شمار و ناگزیر - پرهیز شده است .

۲۰۴

در ۲۷ رجب ۱۳۸۳/۲۳ آذر ۱۳۴۲ نشریه ای در قم توزیع گردید که به مناسبت تقارن انتشار نخستین شماره آن ، با یکهزار و سیصد و نود و ششمین سال بعثت حضرت محمد(ص) ، مؤسسان آن عنوان نشریه را بعثت برگزیدند . بعثت در واقع نشریه داخلی حوزه علمیه قم بود که انگیزه تأسیس و چاپ آن در رمضان ۱۳۸۳ در آبادان مطرح شد . در این زمان تعدادی از روحانیان ، مانند «علی اکبر هاشمی رفسنجانی» ، «علی حجتی کرمانی» و «ناصر مکارم شیرازی» برای تبلیغ در آبادان به سر می بردند . آنان به هنگام فراغت ، در مدرسه علمیه آبادان ، که با پیشگامی «شیخ عبدالرسول قائمی» در آبادان بنا شده بود ، به بحث و گفت و گو می پرداختند و از جمله تصمیم گرفتند پس از بازگشت به حوزه علمیه قم ، «در مسیر مبارزه نظام یافته ای با رژیم شاه و نیز بالا بردن سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی طلاب و فضلا و حتی بسیاری از اساتید حوزه علمیه قم که هنوز به جز تعداد انگشت شماری ، غالباً در فضای درس و بحث ، مطالعه و مباحثه فقه و اصول و فلسفه تنفس می کردند و اندیشه و مسئولیتی نسبت به اوضاع و احوال روز و مسائل اجتماعی و مقوله های سیاسی نداشتند و همچنین برداشتن نخستین گام در راستای تجربه ورود به فعالیتهای تشکیلاتی و مخفی در قبال ترفندهای مزورانه و برنامه ریزی شده دشمن ، طرح یک نشریه مخفی و زیرزمینی را» بریزند.^۱

آنان از یاری «فتح الله محمدی کازرونی» هم بهره جسته ، لوازم و ماشین آلات تحریر و تکثیر را تهیه کردند . هاشمی رفسنجانی ، «سیدهادی خسروشاهی» ، «سید محمود دعایی» - که تازه از کرمان آمده و معمم نشده بود - و علی حجتی کرمانی در قالب هیئتی مخفیانه ، اما منسجم ،

گرد هم آمدند و درباره مطالب و مقالات اولین شماره نشریه و ترتیب انتشار آنها به گفت و گو نشستند. آنان در قم، هسته‌ای را تشکیل داده به سازماندهی و انتخاب افراد پرداختند؛ در تهران، منزل «محمدجواد باهنر» و در قم، خانه هاشمی رفسنجانی؛ لیکن کارهای فنی در قم انجام می‌یافت. «رضا شریف گرگانی» هم اتاقی را در خانه خود به امور چاپ و بسته‌بندی نشریه اختصاص داد که گاهی تا نیمه‌های شب کارشان ادامه می‌یافت.

به رغم آنکه مقالات چاپ شده در بعثت امضای مشخصی نداشت و نویسندگان آنها به روشنی دانسته نیست، اما هر کدام از اعضای هیئت تحریریه آن، در تهیه و تدارک و تنظیم مطالب آن سهمی را پذیرفته بودند. سید محمود دعایی تهیه مرکب و کاغذ و تایپ را به عهده داشت. اخبار و گزارشهای تحلیلی را سیدهادی خسروشاهی تدارک می‌دید. حاجتی کرمانی درباره سازماندهی می‌نوشت. اندک زمانی بعد هیئت تحریریه همکاران جدیدی گردآورد که می‌توان افراد زیر را از میان آنان نام برد. «شیخ مهدی طارمی» که خوش‌نویس بود و کلیشه بعثت را می‌نوشت و کلیشه‌ها و سرتیترها با او بود. «محمدتقی مصباح یزدی» مبحث اعتقادی و کلامی را آماده می‌کرد و نوشته‌هایش در ادامه حیات اندیشمندانه نشریه مؤثر بود. محمدجواد باهنر علاوه بر در اختیار گذاشتن منزل خود در تهران، سرمقاله نخستین شماره را با عنوان «بعثت همگانی» نوشت و با پیش کشیدن بعثت پیامبر اکرم و اینکه «این بعثت همه‌قرن و همه‌سال بلکه همه‌روزه و همه‌ساعت وجود دارد» به انگیزه و اهداف انتشار چنین نشریه‌ای پرداخت: «این نشریه هدفی جز احیای بعثت و رسالت تاریخی پیامبر اسلام (ص) ندارد و با توفیق پروردگار می‌خواهد تا حدود امکانات محدودی که در اختیار دارد به بهتر معرفی کردن روح بعثت و تحرک و حیات اسلامی قدمی بردارد و فعلاً هر چند گاه یک مرتبه منتشر می‌شود و به مناسبت روز انتشار اولین شماره آن و هم هدفی را که تعقیب می‌کند به عنوان بعثت نامیده می‌شود.»^۲ محمدجواد حاجتی کرمانی نیز تا پیش از آنکه دستگیر و زندانی شود کم و بیش مطالبی می‌نوشت و برای چاپ به بعثت می‌سپرد. از جمله سرمقاله شماره دوم نشریه (۱۲ دی ۱۳۴۲/۲۸ شعبان ۱۳۸۴) که با عنوان «جنبش رمضان» به چاپ رسید.

شریف گرگانی، اتاقی را در منزل خود (واقع در ینچال قاضی، نزدیک منزل امام خمینی در قم) در اختیار دست‌اندرکاران بعثت گذارده بود، با همسرش در امور چاپ و بسته‌بندی به آنان یاری می‌رساند. هیئت تحریریه «شبانه»، بیشتر اوقات بعد از نصف شب^۳ به آنجا می‌رفتند و به کارهای بعثت می‌پرداختند. از دیگر کسانی که در راه انتشار بعثت می‌کوشید، آیت‌الله «ربانی شیرازی» بود که علاوه بر تأمین بخشی از هزینه‌ها، با مطالعه مطالب نشریه، درباره محتوای آن نظر می‌داد.

با این وجود در تمام مدت حدود هجده ماهی که بعثت منتشر گردید، تمامی مراحل تولید و انتشار آن مخفی بود؛ اعضای هیئت تحریریه آن ناشناخته بودند و کسی از نام شخصیت و هویت آنها آگاهی نداشت؛ در زمان انتشار، شیوه جمع‌آوری مطالب و تحریر مقالات بر کسی آشکار نبود. در هیچ کدام از شماره‌های نشریه هم اشاره‌ای به نام و نشان نویسندگان و فعالان آن نمی‌شد. توزیع شماره‌ها هم پنهانی صورت می‌گرفت. گاهی توزیع‌کنندگان هم، دریافت‌کنندگان مجله را نمی‌شناختند:

... یکی از مسئولین پخش نشریه در سطح حوزه علمیه قم آقای شیخ علیرضا برزگر بجنوردی بود که به هیچ وجه از جریان و جزئیات ماجرا اطلاعی نداشت.

ایشان، آقای دعایی و من (حجتی کرمانی) در مدرسه خان در سه حجره مختلف سکنا داشتیم. من و آقای دعایی در دو حجره واقع در طبقه دوم زندگی می‌کردیم و حجره آقای برزگر در طبقه سوم ساختمان قرار داشت. در زاویه‌ای کنار و به دور از انتظار.

پس از آنکه بعثت آماده نشر می‌شد، تعدادی را که برای نشر در میان طلاب و اساتید حوزه در نظر گرفته بودیم، بسته‌بندی کرده و جلوی حجره ایشان می‌گذاشتیم و روی آن نامه‌ای خطاب به برادر برزگر با این مضمون جلب نظر می‌کرد: برادر با تشکر و سپاس از کوششها و مبارزات صمیمانه شما مستدعی است محتوای بسته را با شیوه‌ای صحیح و مراعات جوانب امر در میان طلاب و فضیای حوزه توزیع فرمایید.

ایشان هم که گمان می‌کرد این نشریات از تهران و توسط برخی از گروههای سیاسی مذهبی دانشگاهی ارسال می‌گردد، با وجد و سرور زایدالوصفی ما را از وصول آنها آگاه می‌ساخت و یک شماره هم به من و آقای دعایی می‌داد و برای آقایان هاشمی و خسروشاهی هم ارسال می‌داشت و صمیمانه در پخش آنها می‌کوشید. من برای اینکه وی بویی از ماجرا نبرد در فاصله زمانی انتشار دو شماره، بویژه اگر این فاصله به درازا می‌انجامید، مرتب و گاه هر روز از ایشان پرس و جو کرده و با نگرانی علت تأخیر را جویا می‌شدم.

شایان توجه اینکه آقای برزگر تا آخر هم متوجه نشد که ماجرا از چه قرار بوده است.^۴

دست‌اندرکاران اصلی نشریه بعثت برای دور ماندن از پیگردها و دستگیریهای احتمالی توسط سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) اسامی مستعاری انتخاب کرده نام «علی» را به عنوان اسم کوچک و نام یکی از شهرهای ایران را به عنوان وجه اشتها خود برگزیده بودند. مانند «علی اراکی»، «علی ایرانی»، «علی اصفهانی»، «علی کاشانی»؛ که علی اراکی نام مستعار سیدمحمود دعایی و نام علی ایرانی نام مستعار هاشمی رفسنجانی بود.^۵ بی‌تردید پی بردن به فعالان چنین نشریه‌ای و دستیابی به هویت اعضا و گردانندگان اصلی آن کار آسانی نبود. به

طوری که در طول انتشار چهارده شماره از مجله، ساواک که در بسیاری از عرصه‌ها به سرعت توانسته بود عوامل مخالف و مبارز علیه رژیم را شناسایی و از صحنه خارج سازد، در امر شناسایی عوامل فعال نشریه بعثت شکست خورده بود و گروه ناشران مجله، توانسته بودند از دید تجسسی مأموران ساواک پنهان بمانند و همچنان آنها را از رسیدن به پاسخ این پرسش که «چنین نشریه‌ای منسجم که در عرصه سیاسی پرخاشگرانه و افشاگریهای آن بر ضد حکومت پهلوی عمیق و اصولی است، در کجا، چگونه و با چه امکانات و ابزاری تهیه و تدارک شده، عوامل مختلف چاپ، نشر و توزیع آن چه کسانی اند» مأیوس گذارده بودند.

ساواک از نخستین روزهای انتشار مجله بعثت، هر جا که نشانی یا شماره‌ای از مجله را می‌یافت، به شدت مورد بررسی و پی‌گیری قرار می‌داد تا بلکه به هسته مرکزی نشریه دست یافته جلو انتشار آن را بگیرد. در میان گزارشهای ساواک، نخستین گزارشی که سخن از نشریه بعثت به میان آمده، نامه‌ای است که چند روز پس از انتشار پنجمین شماره بعثت در ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ «رضا شیخ‌الاسلامی» رئیس ساواک استان یکم (گیلان) به اداره کل سوم ساواک در تهران فرستاده است. شیخ‌الاسلامی در نامه خود با اشاره به رفت و آمد فردی به نام «محمدتقی کامیاب کفاش» از رشت به تهران، تصویر شماره‌های سوم و چهارم نشریه بعثت را همراه نامه به تهران ارسال کرده است که نشان می‌دهد فرد مزبور آن دو شماره را از تهران به رشت برده. قصد تکثیر و توزیع در شهر داشته است. این امر می‌تواند نشان دهد که روز به روز بر نفوذ مجله بعثت در شهرهای متعدد کشور افزوده می‌شد و از جمع طلاب و دانشجویان و استادان حوزوی و دانشگاهی به سایر قشرهای جامعه نیز راه می‌یافت.

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

محرمانه

گیرنده: (اداره کل سوم)

تاریخ: ۱۳۴۳/۱/۱۹

شماره: ۵/۱ - ۲۵۰

شماره پیرو: ۵/۱ - ۸۰۳۶

موضوع: ارائه اعلامیه روحانیون وسیله محمدتقی کامیاب کفاش

نامبرده بالا که در تاریخ ۴۳/۱/۱۵ به تهران رفته بود، در مراجعت به رشت هنگام ملاقات با مأمور، نشریه بعثت شماره سوم و چهارم مورخه ۴۲/۱۲/۲۰ (نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم) و یک برگ متن تلگراف آیت‌الله ابوالقاسم موسوی خوئی به عنوان جناب آقای نخست‌وزیر (درباره آزادی خمینی - قمی) را که فتوایی هر دو نشریه به پیوست تقدیم می‌گردد

((الفین جا منه وا))
 لیسنا
 ((لیسنا بنیم سیکنا))
 کجسنا را
 ((پیچ بر منا))

لحیث

شماره ۵ چهارم و پنجم
 سال ۱۳۹۶
 دومین و سومین شماره بهار ۱۳۹۶
 شماره ۵
 ۶۶ حرم الحرام ۱۳۹۶

شعر بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 یا بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 از بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا

درد و پرواز یک سرمدان و آخرت

بخت جانان از آن بارها آید که در بر او بر جانان
 چشم من در دو جا باز و من از بی جا شدن لغت برای بی جا
 در بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا

بخت لریاه = با سرود بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 گوشه های مردم خشن از آن است که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 از آن است که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 از آن است که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 از آن است که از بی جا شدن لغت برای بی جا

بهر که در آمده دنیا شد این بی جا شدن لغت برای بی جا
 در بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا
 بی جا شدن بی جا می تواند که از بی جا شدن لغت برای بی جا

درد و پرواز یک سرمدان و آخرت

((فهرست مطالب))

۱- ۲	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت
۳- ۴	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت
۵- ۶	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت
۷- ۸	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت
۹- ۱۰	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت
۱۱- ۱۲	درد و پرواز یک سرمدان و آخرت

بعثت همگانی

به مأمور ارائه می نماید که مراتب استحضاراً گزارش [می گردد] و تعداد آن کم [بوده] و در حال حاضر در نقاط مختلف پخش نگردیده، منحصرأ چند نسخه بوده که به طور پنهانی دست به دست رسیده است. / ث. امضا رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم. شیخ الاسلامی در این گزارش اشاره ای به شماره آغازین بعثت نشده است و گویا در بایگانی ساواک هم سابقه ای از آن موجود نبوده است، چرا که سندی مربوط به تاریخی پیش از این به دست نیامده تا در آن شماره های اول و دوم بعثت سخن رفته باشد. بنابراین می توان گفت دست اندرکاران بعثت در فعالیتهای مخفی و به دور از چشمان مأموران ساواک، موفق بوده اند. ساواک در چند ماه اول انتشار مجله بعثت از چند و چون کار آن بی خبر مانده بود. به عبارت دیگر مأموران ساواک نه از چگونگی انتشار شماره های اول و دوم نشریه آگاهی داشتند و نه عوامل تهیه و تدارک آن را می شناختند؛ چه بسا، حتی شماره های نخستین آن را هم در اختیار نداشتند. از این رو پس از آنکه شماره سوم و چهارم بعثت را به دست آوردند بلافاصله آن را برای بررسی به ساواک مرکزی فرستادند تا با پی گیریها و پی گردهای امنیتی و اطلاعاتی نشریه را تحت نظارت و کنترل درآورند.

۲۰۹

بندر پهلوی (بندر انزلی کنونی) هم از شهرهای دیگر استان گیلان است که مأموران ساواک درباره توزیع شماره های بعثت در میان مردم آن شهر گزارشی به تهران ارسال کرده بودند. این گزارش از ده برگ شماره نهم نشریه حاضر خبر می دهد که در ۳۰ شهریور ۱۳۴۳ چاپ شده، به صورت اتفاقی به دست یکی از مأموران ساواک بندر پهلوی رسیده بود. براساس این گزارش که توسط شیخ الاسلامی رئیس ساواک استان یکم (گیلان) به ساواک تهران فرستاده شده، آورنده یا توزیع کننده بعثت مشخص نیست، اطلاعات تازه ارسال خواهد شد:

تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور

گیرنده: مدیریت کل اداره سوم (۳۲۱)

فرستنده: ساواک گیلان

موضوع: نشریه بعثت

بدین وسیله ده برگ فتوکپی نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم به نام بعثت شماره نهم ۳۱ شهریور ۴۳ در شهرستان بندر پهلوی آورده شده بود که یک نسخه آن بدست یکی از مأموران رسیده بود بیوست تقدیم میگردد. ضمناً آورنده و تعداد نشریه ها هنوز معلوم نگردیده، پس از اطلاع مراتب متعاقباً بعرض خواهد رسید. ت

امضا رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم. شیخ الاسلامی

در گزارش دیگری که «نوایی»، رئیس ساواک استان هشتم (کرمان)، به اداره کل سوم

ساواک تهران فرستاده است به یک نسخه از شماره پنجم نشریه بعثت اشاره کرده که در حین کشف نواری از کتابخانه «مدرسه معصومیه» کرمان به دست آمده بود.

گیرنده: مدیریت کل اداره سوم

تاریخ: ۴۳/۲/۱۴

فرستنده: ساواک استان کرمان

شماره: ۸/۷۶۳ الف

شماره: پیرو رمز ۴۷۹ - ۴۳/۲/۲

موضوع: انتشار نشریه شماره پنج بعثت

بدین وسیله یک نسخه از نشریه مزبور که روز ۱۲ جاری ضمن کشف نوار از کتابخانه مدرسه معصومیه کرمان به دست آمده به پیوست ایفاد می‌گردد و نسخه قبلی برای بهره‌برداری خود ساواک به منظور پیدایش رابط توزیع باقی ماند.

امضا رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان ۸/ کرمان. نوایی

نکته حائز اهمیت و مورد توجه در این گزارش، سرعت و رعایت جوانب احتیاط در حمل و انتقال و توزیع نشریه بعثت در شهر کرمان است که با توجه به مرکزیت انتشار آن در شهر قم و سابقه آگاهی ساواک از انتشار و توزیع نشریه مخفی که به شماره‌های سوم و چهارم آن در ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ (حدود پانزده روز پیش از ارسال گزارش اخیر) دست یافته بود، اقدامی کاملاً حساب شده و مطابق موازین امنیتی بوده است.

در گزارش فوق اشاره‌ای به عامل یا رابط توزیع نشریه بعثت نشده است و ریاست ساواک استان هم با اشاره به حفظ شماره به دست آمده از آن، به دنبال یافتن پاسخی به پرسش اصلی است و در نظر دارد رابطین توزیع را شناسایی، عملیات بازدارنده انجام دهد. اما چه بسا یک یا هر دو برادر روحانی کرمانی به نامهای علی حجتی کرمانی، عضو هیئت تحریریه و محمدجواد حجتی کرمانی نویسنده برخی مقالات، از عوامل انتقال و توزیع مجله بعثت در کرمان بوده‌اند.

از دیگر شهرهایی که بر اساس گزارشهای ساواک، پای نشریه بعثت به آنجا رسیده بود، شهر اصفهان است که شماره هفتم نشریه در سه برگ به صندوقهای پست انداخته شده بود:

گیرنده: مدیریت کل اداره سوم (۳۲۱)

تاریخ: ۴۳/۴/۲۰

فرستنده: ساواک اصفهان

شماره: ۴۳ - ۵/۱۰/۱۷۵۹

روز جاری نشریه ای تحت عنوان بعثت شماره هفتم مورخه ۱۶ خرداد ۴۳ در ۳ برگ در یکی از صندوقهای پست اصفهان انداخته شده بود که عین آن جهت استحضار به پیوست ایفاد می گردد.

امضا رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دهم . محمود صادقی

بنابر این گزارش ، علاوه بر توزیع بعثت در شهری چون اصفهان ، گردانندگانش از شیوه تازه ای برای توزیع آن بهره می بردند . همچنین در گزارش دیگری که ساواک قم در ۱۳ دی ۱۳۴۴ ، خطاب به ریاست ساواک استان مرکزی فرستاده است ، با اشاره به فعالیت و تلاشهای سیدهادی خسروشاهی بر ضد حکومت محمدرضا پهلوی و نقش او در انتشار دو مجله بعثت و انتقام^۷ ، چگونگی توزیع نشریه بعثت را نیز بیان می کند . در بند ۲ این گزارش آمده است : «۲- به قراری که گفته می شود چند نفری که گرداننده نشریات بعثت و انتقام هستند قسم خورده اند که حافظ اسرار نشریات مزبور باشند و پخش آنها هم با وسیله پست است که جمع آوری می شود یا اینکه شبانه و دیروقت هنگامی که طلاب در خواب هستند به حجره آنها انداخته می شود.»^۸

علاوه بر شهرهای یادشده گزارشهای ساواک حاکی است که در شهرهای مختلف نیز این نشریه توزیع می شده است .

۲۱۱

از جمله شهرهای مهم و معروفی که در آن «گروهی از طلاب جوان و مبارز ، بعثت را در سطح کیفیتی به مراتب بهتر از اصل از نظر چاپ و کاغذ و قطع در تیراژ وسیعی چاپ و منتشر» می ساختند شهر مشهد ، مرکز استان خراسان (استان نهم) ، بود که ظاهر آیت الله سیدعلی خامنه ای هدایت آنان را به عهده داشت .^۹ افرادی نظیر شیخ محمدرضا فاکر هم در تکثیر و توزیع آن مجله نقش داشت .^{۱۰}

عنوان بعثت با حروف توخالی بر پیشانی مجله می نشست و عبارت زیر در داخل پرانتز نه زیر لوگو قرار می گرفت : «(نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم)». در برخی از شماره ها هم عبارت مزبور به صورت (نشریه داخلی حوزه علمیه قم) قید می شد که هر دو عبارت نشانه آن بود که این نشریه ارگان حوزه علمیه قم بوده ، دانشجویان و طلاب ، این نشریه را وسیله ای برای اظهار عقاید و نظریات خود نسبت به اوضاع سیاسی ، فرهنگی ، علمی و مذهبی جامعه ایران قرار داده اند .

انتشار نشریه بعثت در سطوح گوناگون جامعه توانسته بود به کار بنیادین و روشن گرانه ای تبدیل شود^{۱۱} که این امر بیشتر ناشی از حس وظیفه شناسی عوامل تولید و توزیع آن بود . به طوری که شماره های متعدد نشریه در بیشتر شهرها به درستی توزیع شده به دست خوانندگان و خوانندگان خود می رسید . «در تهران تشکلهای دانشجویی ، انجمنهای اسلامی دانشجویان و در بازار کسانی بودند که آن را خوب توزیع می کردند . در قم هم خوب توزیع می شد.»^{۱۲} بعثت با

الذین جاءهم
بالحق
لنهدمهم
بما كانوا
يعملون

تجدید

شیرازی و اخوانی
نشریه انجمن خوارزمی

شماره اول
سال دوم
بهار ۱۳۸۶
قمری ۱۳۸۶
م ۱۱ آذرماه
۱۳۸۶

سالم و بصیرت و بصیرت حضرت امام خمینی

را چه از چه، برای هر کسبیا تم امید و آرزو ساخت
و از تو برای روشن کردن افکار ما به از غنچه
و در و پارهین بیشتر احسان کردیم ما در آن تو کسا
عد بودی که دست ما که ایران بنامت بخت بیجا
میر جشن گرفت در حالیکه ناپاینده و مانعین این بیجا
حیرا بزندان انداخته بود و امروز هم بنا حدیسی
کنم کاین سلطان تاها کدر و قلعین سرکست
انگوشت ملنا نت بنا سبت الهی که تا بهت -
شکس براب سرور برآ بیکنند از اما سبت
شکن سرور از طکت حین بیجا سبت و آرزو سبت
استاد "ارتباط ماه" را برداشته و بیجا سبت

با این شماره "بصیرت" تمدن در دوین سال انتشار خود
میگذارد ما در سال گذشته کالی شوی که کردیم کردیم
بزرگ آمله چاکیران در پخت هیئت جانکسود اکنون هم
کاملین شماره سال بیورا میسپیمان و غیره تا لیدر در رهبر
"پورسان" ترکمیسر بود ما در آن روز علم و توانج مشکلات
ایوان با ایمان بیجا این مبارزین ایمان به عقاید بیسی
انبار صل خود با انکا بیجا ای بیجا آهن دست بکشار
انتشار این نشریه سبت - روز بخت بود روز خفت و انکس
روز با نگین کشتن محمد (ع) بیسپود روزنگه با نور
شد سباده را کنار بگذار و از کوسه با نور آید با خرد
فهم کند بشوا را در هر یکونه با طاعت و دانش
پسندت و صین با از خین کتید استگران کردن که کرد
انسان متجاوز بهال و تابید و حیفا سبت بیجا سبت بران سبت
با برنگین کند روزنگه با خرد سبت با شکست و فشار
انکس را از سبت و سبت سبت بر سبت خلا می کرد مراد -
بدهد و سبت و سبت ای سبت بر سبت بر سبت آری سبت
سبت بود و سبت سبت سبت سبت را در آن سبت سبت
کرد و سبت سبت سبت سبت سبت "سبت" که در سبت سبت
سبت را باقال نه که گرفتیم انکس از سبت سبت سبت -
سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت
کرد و سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت
انکس سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت سبت

- ۱ سالگرد بصیرت راه جدید
- ۲ تکلیف ایمن بدین
- ۳ تصویر انجمن بصیرت
- ۴ سبت طهران
- ۵ سبت سال
- ۶ سبت و سبت و سبت
- ۷ سبت استقلال ایران
- ۸ سبت ادب
- ۹ سبت و سبت و سبت

بعثت همگانی

جلب توجه بسیاری از افراد مذهبی جامعه، در میان اقشار و گروههای انقلابی نیز خواهان بسیاری یافته بود. مهندس مهدی بازرگان در یادداشتهای روزانه اش در دوران زندان با اشاره به انتشار بعثت می نویسد:

در قم یک نشریه پلی کپی شده به ضمیمه ای به نام بعثت - نشریه داخلی حوزه علمیه قم به تاریخ ۴۲/۹/۲۳ درآمده است که خیلی آزادیخواهانه و مبارزانه است.

بازرگان سپس با اشاره به موضوعات مندرج در شماره مزبور نوشته است: «مندرجات آن: بعثت همگانی (سر مقاله) - نهضت حوزه (تاریخچه تحول و جنبش اخیر روحانیت که در نتیجه فشار و فساد دستگاه پدیدار شده است) - بررسی امکان سازش (رد کردن هرگونه سازش با خفقان جامد و یا وجود اینهمه زندانی) - علم گفت (امیدواری خاموش شدن مسئله مذهب در آینده نزدیک) - نکته‌ها - ماهیت حاکمه را استیضاح می کنم - سیاست از دین جدا نیست - یک روایت - اخبار»^{۱۳}

افزون بر این وی از چند شماره دیگر بعثت نیز در یادداشتهای خود یاد کرده است. از جمله آنها می توان شماره دهم (شماره اول، سال دوم) به تاریخ ۲۷ رجب المرجب ۱۳۸۴/۱۱ آذر ۱۳۴۳ و شماره دوازدهم (شماره سوم، سال دوم) به تاریخ ۳۰ شوال ۲۳/۱۳۸۴ اسفند ۱۳۴۳ را نام برد. وی در هر کدام از آنها به موضوع مقالات منتشر شده در مجله پرداخته در چند جمله خلاصه ای از مقالات را آورده است.^{۱۵}

رهبران نهضت آزادی ایران که در این زمان در زندان به سر می بردند گهگاهی از سوی دست اندرکاران نشریه بعثت در دادگاه ملاقات شده در طول دیدارشان اخبار و جریان های مذهبی و علمی و سیاسی و اجتماعی میان آنان مورد بحث قرار می گرفت: «ما هر چندی یکبار، برای شرکت در دادگاه نظامی آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان و دوستان شان، به تهران می آمدیم و چون تفتیش بدنی جدی در کار نبود، گاهی اعلامیه ها و نشریات جدید را در موقع تنفس به آقایان تحویل می دادیم که نوعی اطلاع رسانی بود... در یکی از این دیدارها نخستین شماره بعثت را به مرحوم آیت الله طالقانی دادم که مرحوم بازرگان شرح آن را در یادداشتهای روزانه زندان آورده است.»^{۱۶}

از دیگر گروههای مرتبط و همکار با دست اندرکاران مجله بعثت «هیئت های مؤتلفه اسلامی» است. علاوه بر هاشمی رفسنجانی که با اعضای مؤتلفه روابط تنگاتنگی داشت و در پیشبرد اهداف انقلابی با آنها همکاری می کرد، سیدهادی خسروشاهی نیز با اعضای هیئتهای مؤتلفه همکاری می نمود و در برخی مواقع، مانند اوایل فروردین ۱۳۴۰ که مأموران گارد جاویدان، در قم مردم و طلاب را به زور چماق و ادا به گفتن «جاوید شاه» می نمودند، خانه خود را به روحانیان و اعضای هیئتهای مؤتلفه اسلامی سپرد تا در آنجا از ستمهای شاهنشاهی در

امان باشند.^{۱۷}

با چنین ارتباطی شماره‌های متعدد بعثت در بازار تهران توسط اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی توزیع می‌شد. اعضای نهضت آزادی ایران هم این نشریه را در مجامع دانشگاهی توزیع می‌کردند.

اما نکته مهم و درخور توجه، گفته اسدالله بادامچیان، از اعضای هیئت‌های مؤتلفه اسلامی است که انتشار مجله بعثت را به جمعیت خود نسبت داده، آن را از جمله نشریات برون‌گروهی مؤتلفه اسلامی می‌داند که از سوی عده‌ای از روحانیان عضو یا وابسته به هیئت‌های مؤتلفه در قم تهیه و توسط افراد آن چاپ و توزیع می‌گردید:

نشریه برون‌گروهی دیگر مؤتلفه، نشریه بعثت بود که توسط عده‌ای از روحانیون عضو و یا وابسته به مؤتلفه، در قم تهیه و توسط افراد مؤتلفه چاپ و توزیع می‌گردید و در روشن کردن اذهان مردم بسیار مؤثر بود. اولین شماره بعثت در ماه رجب ۱۳۸۴ برابر [با آذر ۱۳۴۲] انتشار یافت. ساواک بلافاصله حساسیت شدید نشان داد و عوامل خود را جهت دستگیری نویسندگان و توزیع‌کنندگان تجهیز کرد، اما نتوانست ردپایی به دست آورد. گزارش ساواک در تاریخ ۴۴/۱/۱۰ یعنی حدود نزدیک به دو سال پس از انتشار بعثت، نهایت عجز و زبونی ساواک را با همه ادعایش می‌رساند:

موضوع: درباره نشریه بعثت

شماره: ۲۰/۱۴ الف

محل: تهران

تاریخ حادثه

عطف به شماره:

تاریخ وصول خبر: ۴۴/۱/۱۰

منبع خبر: ت ۵۱۷

تاریخ گزارش: ۴۴/۱/۱۰

- تقویم ب - ۳

برابر اطلاع، نشریه مذکور در مدرسه خان تحت نظر علی حجتی کرمانی و... سیدهادی - برادر واحدی معدوم - چاپ و پخش شده است. هنگامی که مأموران انتظامی جهت دستگیری حجتی کرمانی به مدرسه [خان] رفته‌اند نامبرده و همدستانش پی بردند که شاید پلی‌کیپی آنها کشف شود، شبانه بلافاصله ماشین پلی‌کیپی را به منزل واحدی واقع در کوچه بیگدلی‌ها برده‌اند و پس از دو روز به جای دیگر که معلوم نگردیده انتقال داده‌اند.

نظریه رهبر عملیات: به مأمورین آموزش داده شد تا به تحقیق خود ادامه دهند و محل ماشین پلی کیپی را تعیین نمایند...^{۱۸}

شایان ذکر است که گزارش مأموران ساواک (گزارش بالا) در اوایل سال ۱۳۴۴ ش - حدود دو سال پس از انتشار نخستین شماره مجله بعثت - تهیه شده است و تا این تاریخ ساواک کم کم به عوامل نشر و توزیع آن پی یا حداقل گمان برده بود، چه بسا امکان داشت در آینده نزدیک دست اندرکاران نشریه را دستگیر می کرد. به طوری که حدود دو ماه بعد از ارسال گزارش اخیر، انتشار مجله متوقف و کار آن تعطیل گردید. اما حادثه مدرسه خان قم چه بود؟

سیدهادی خسروشاهی در اوایل ۱۳۴۴ ش پس از آزادی از زندان باخبر شد که علی حجتی کرمانی، همکار نشریه بعثت، بار دیگر بازداشت شده است. افزون بر آن چند روز بعد، به واسطه همسر وی دریافت که سیدمحمود دعایی هم - که در انتشار بعثت نقش فعالی را به عهده داشت - از سوی ساواک شناسایی شده احتمال دارد دستگیر شود. برای آگاه ساختن او به مدرسه خان، که محل سکونت دعایی بود، می رود. «... من در قم بلافاصله به مدرسه خان، محل سکونت آقای سیدمحمود دعایی رفتم... وی آنجا نبود... دوستان گفتند که در مؤسسه برقی برای آموختن زبان انگلیسی رفته است... فوری به مؤسسه برقی - خیابان ارم - رفتم و دم درب مؤسسه، آقای دعایی را دیدم که داشت بیرون می آمد. اخطار را ابلاغ کردم و ایشان گفت مهم نیست و به مدرسه رفت... وقتی به مدرسه خان رسید متوجه شد که مأموران منتظر وی هستند، بلافاصله به پشت بام مدرسه رفته و از آنجا به پشت بام گذر خان و سپس یک راست به سوی نجف اشرف رهسپار گردید.»^{۱۹}

بدین ترتیب می توان دریافت که مأموران ساواک در پی کسب اطلاعات و پی گیری انتشار مجله بعثت دچار اشتباه گشته به غلط محل امن دستگاه پلی کیپی آن را مدرسه خان یا منزل واحدی دانسته اند. به عبارت دیگر اداره کنندگان نشریه بعثت در مسئولیت و هدف خود موفق شده بودند تا مأموران ساواک را با کشیدن به نشانیهای غلط، گمراه سازند. از سوی دیگر، ادعای برخی از اعضای هیئتهای مؤتلفه اسلامی به دور از صحت و تنها از آن روی بوده است که در جریان شناسایی سیدمحمود دعایی در مدرسه خان به انتظار بازداشت وی نشسته بودند.

نسبت دادن انتشار، چاپ، توزیع یا هر اقدام دیگری درباره بعثت به هیئتهای مؤتلفه اسلامی از سوی برخی از اعضای آن، نشان از وسعت و عمق تأثیرات مجله بعثت در سطوح متعدد جامعه ایرانی طی سالهای انتشار دارد؛ به گونه ای که بعثت در مدت چهارده شماره انتشار توانست اثرات چشمگیری در میان اقشار مختلف مردم به جا گذارده در جهت آگاهی بخشی به توده های جامعه - که هنوز برای دستیابی به انقلاب و پیروزی راه دشوار و درازی را

پیش رو داشتند - نقش غیرقابل انکاری را از خود نشان دهد. بنابراین افرادی می‌کوشیدند نقش و فعالیت خود را در روند کار بعثت پررنگ‌تر جلوه دهند، و گرنه به ادعای سیدهای خسروشاهی، هیچ یک از اداره‌کنندگان و اعضای هیئت تحریریه آن نشریه وابستگی یا عضویتی در هیئت‌های مؤتلفه اسلامی نداشته، همکاری آنان همانند دیگر گروهها و جمعیتها از قبیل نهضت آزادی ایران، جنبه سازمانی و پیوند تشکیلاتی به خود نگرفته بود.^{۲۰} به علاوه در هر شماره از مجله بعثت، با حروف درشت اعلام می‌گردید که بعثت، نشریه داخلی حوزه علمیه قم بوده، در چاپ و انتشار آن به غیر از طلاب و دانشجویان حوزه، هیچ گروه و فردی نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد.

به هر حال با دریافت گزارشهایی درباره انتشار بعثت، اداره کل سوم ساواک، که مهم‌ترین اداره آن و مسئول امنیت داخلی رژیم بود، به تکاپو افتاد و از ریاست ساواک خواست تا مأمورانش را وادار به تحقیقات درباره نحوه، تهیه چاپ، انتشار و توزیع نشریه کنند. این اقدام حاکی از آن است که با تسریع و تسری روزافزون شماره‌های متعدد بعثت در قم، تهران و شهرهای دیگر، سازمان اطلاعات و امنیت، بویژه دفتر ویژه اطلاعات آن، نسبت به آینده و تأثیر مجله در میان مردم، حساس و نگران بود. ساواک با پیش‌رفت زمان می‌کوشید تا با انجام عملیات شناسایی جلو گستره توزیع آن را سد کند. این تکاپو چندی پس از انتشار شماره هفتم نشریه بعثت در ۲۶ خرداد ۱۳۴۳ انجام گرفت:

گیرنده: ریاست ساواک تهران

فرستنده: اداره کل سوم

موضوع: نشریه بعثت

خواهشمند است دستور فرمایید تحقیقات کاملی پیرامون وضع نشریه بعثت و عاملین تهیه و چاپ آن که شماره هفتم آن اخیراً توزیع گردیده است معمول و نتیجه را به این اداره کل اعلام فرمایید. ضمناً در گذشته چند شماره از نشریه مورد بحث به طور نامرتب از طریق آن ساواک واصل گردیده است. نظر به اینکه این موضوع مورد توجه دفتر ویژه اطلاعات است چگونگی را سریعاً اعلام فرمایند. ش

۴۳/۳/۲۷-۳۲۱/۱۰۹۴۹

سرلشکر «ناصر علوی مقدم»، رئیس اداره کل سوم ساواک، در نامه دیگری که در اوایل مهر ۱۳۴۳ خطاب به ریاست ساواک استان مرکز نوشته، خواسته است درباره بعثت اطلاعات بیشتری را جمع‌آوری کرده در اختیار آن اداره کل قرار دهد. او در نامه خود، به مکاتباتی اشاره نموده که در موضوع نشریه بعثت از ۲۷ خرداد ۱۳۴۳ تا زمان ارسال نامه اخیر با آن ساواک

بعثت همگانی

انجام داده، از جریان نشر و توزیع آن نشریه گزارشهایی جمع یا ارسال شده است. این مکاتبات در میان اسناد حاضر موجود نیست، اما می توان براساس تعداد آنها بر اهمیت و عمق تأثیرات مجله بعثت در میان مردم پی برد و از سوی دیگر دریافت که ساواک با توجه بر همین اهمیت به شدت برای کشف و جلوگیری از ادامه کار نشریه می کوشید. در این نامه اداره کل سوم ضمن آنکه از مولوی، رئیس ساواک استان مرکز، می خواهد اطلاعات جامعی درباره نشریه بدهد، خواهان به دست آوردن میزان تأثیر نشریه در میان مردم است. گنجاندن چنین پرسشی و ارائه تحقیق و تحلیلی از سوی اداره کل سوم ساواک، به همراه چند سؤال دیگر، که بیشتر جنبه کمیّتی دارد، نشان دهنده آن است که ساواک ضمن دریافت اثرات روزافزون بعثت در میان مردم خواستار شناسایی عوامل انتشار آن شده است.

گیرنده: ریاست ساواک استان مرکز

فرستنده: اداره کل سوم

شماره: عطف ۲۰/۱۴۴۹۰ الف - ۴۳/۷/۸

موضوع: نشریه بعثت

۲۱۷

پیرو نامه های ۳۲۱/۱۰۹۴۹ - ۴۳/۳/۲۷ و ۳۲۱/۱۵۱۹۶ - ۴۳/۴/۲۰ و ۳۲۱/۱۹۶۶۳ - ۴۳/۵/۲۴ - ۳۲۱/۱۹۸۶۵ - ۴۳/۶/۸ و ۳۲۱/۲۴۲۱۰ مورخ ۴۳/۶/۳۰ خواهشمند

است دستور فرمائید ضمن ارسال پاسخ، تحقیق و اعلام نمایند:

۱- فروشندگان و خریداران نشریه مزبور چه کسانی هستند.

۲- چه تعداد به فروش رسانیده اند.

۳- این نشریه توسط چه اشخاصی تهیه می شود.

۴- چاپخانه آن کجاست.

۵- چه اثراتی این نشریه در مردم می گذارد.

۶- تاکنون چه اقداماتی نسبت به تهیه و پخش کنندگان آن شده است.

۷- کدام طبقه از اصناف بازار به این نشریه علاقه مند هستند.

۸- در کدام قسمت بازار به فروش رسانیده اند. ش

۴۳/۷/۱۳ - ۳۲۱/۲۴۳۸۴

تهیه کننده - صابری. امضا

متصدی بررسی - تهامی. امضا

رئیس بخش ۳۲۱ - امینی. امضا

امضا از طرف مدیرکل اداره سوم [۴۳]/۷/۱۲

نامه فوق علاوه بر آنکه اهمیت و چگونگی روشهای جمع‌آوری اطلاعات درباره انتشار و توزیع بعثت را بیان می‌کند، از منطقه بازار نیز نام می‌برد که بر پایه آن می‌توان دریافت؛ تعداد بسیاری از شماره‌های بعثت در آن ناحیه از تهران توزیع شده بخش زیادی از علاقه‌مندان و خوانندگان آن را اصناف مختلف بازار تشکیل می‌دادند. اگرچه در این نامه به صنف ویژه‌ای اشاره نشده است و چندان دانسته نیست که در میان اصناف بازار چه ناحیه‌ای بیشتر از دیگر نواحی خواهان نشریه بعثت بوده‌اند، کدام صنف از مقالات و اخبار آن استفاده و استقبال می‌کردند. با آنکه گزارشی در این زمینه در میان اسناد وجود ندارد، ولی یکی از مأموران ساواک در منطقه بازار تهران گزارشی در اواسط مهر ۱۳۴۳ تهیه نمود که نشان می‌دهد شماره نهم مجله بعثت در بازار توزیع گردیده است. این مأمور در گزارش خود، دو موضوع مهم و مورد بحث نشریه شماره یاد شده را نیز پیش کشیده است:

نشریه بعثت

در تاریخ ۴۳/۷/۱۳ شماره نهم نشریه بعثت (نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم) به تعداد محدودی به طور محرمانه در بازار تهران توزیع گردیده است. در نشریه مزبور به هیئت حاکمه حملات شدیدی شده و اضافه گردیده دستگاه حکومت ضدملی ایران به عمال اسرائیل و بهائیت آزادی عمل داده و مردم مسلمان ایران با پیروی از روحانیت و مراجع عالی قدر با تمام قوا علیه اسرائیل و هم‌پیمانان اسرائیل مبارزه خواهند کرد و همدوش برادران عرب خود علیه تجاوزکاران یهود و اشغالگران صهیونیست خواهند جنگید و سرانجام فلسطین عزیز را نجات خواهند داد.

ارزیابی خبر: خبر فوق مورد تأیید است.

اقدامات معموله: در مورد شناسایی تهیه کنندگان، ناشرین و محل چاپ نشریه فوق اقداماتی در جریان است و نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

در پرونده نشریه بعثت بایگانی شود.

امضا صابری ۴۳/۷/۱۸ [۴۳] در اخبار مورخه ۴۳/۶/۱۶ [۴۳] درج گردید.

دو موضوع اخیر که در شماره نهم بعثت (۳۱ شهریور ۱۳۴۳) مقالاتی درباره آن به چاپ رسیده بود، در «کمیته اکو» هم حدود یک ماه پس از انتشار مجله در ۲۷ مهر همان سال، مورد توجه قرار گرفته نظر اعضای آن را به خود جلب کرده است:

صورت جلسه کمیته اکو مورخ ۴۳/۷/۲۷

نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم

مورخه سی و یکم شهریور ماه ۴۳ نهمین نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم انتشار یافت.

در این نشریه مردم برای مقابله علیه دولت دعوت شده اند و به منظور تحریک احساسات ، اشاره به وقایع ۱۶ خرداد شده است . سپس روحانیون را به اتحاد دعوت نموده و گوشزد نموده است که صفوف خود را وسیع نمایید و ناپستی هدف خود را فراموش کنید و بدانید که لبه تیز تبلیغات به کدام طرف باید متوجه گردد. مبادا ندانسته از پشت خنجر به صفوف خود بزنید و توان خود را بگیرید.

بعداً به کشور اسرائیل تاخته است و اعلام نموده است که کشور ما همکار اسرائیل است و غیره ...

پس از قرائت نشریه فوق و اثرات آن در جامعه و شایعاتی که در نتیجه پخش این نشریه به وجود آمده است برای کمیته چنین نتیجه حاصل شد که دستهای خارجی مشغول ربودن کانونهای ناراضی کشور است و آنان را به عناوین مختلف و ادار به تحریک احساسات مردم ساده لوح نموده و به عصیان و اخلال و ادار می سازند.

به نظر کمیته نفوذ در حوزه علمیه و دستگیری مقصرین و تنبیه آنان طبق قوانین کشور ضروری به نظر می رسد...

۲۰/۴۸۱۶ - ۴۳/۷/۳۰ اصل در بخش ۳۲۱ موجود است . امضا ریاست ۳۲۱

در پرونده نشریه بعثت بایگانی شود. امضا صابری ۲۰/۸/۴۳] ن- ۴۲۵

۲۲۰

در مجله بعثت شماره ۹ چه نوشته بود که کمیته اکو تا بدان پایه به آن توجه کرده بود؟ شماره نهم بعثت در سال اول ، پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۸۴ هجری قمری مطابق با ۳۱ شهریور ۱۳۴۳ هجری شمسی منتشر شد. «شرط پیروزی» عنوان نخستین مقاله ای است که نویسنده آن با پرداختن به فلسفه مبارزه ، آفات گوناگون آن را شمرده به تشریح هر کدام از آنها پرداخته است . در ادامه با اشاره به مبارزه اخیر روحانیت می نویسد؛ در این مدت ، نه تنها مبارزه آنان به دور از آفات بوده بلکه «تمایل و علاقه طبقات مختلف مردم به روحانیت زیادتز شده و گذشته از علایق عمیق معنوی ، عملاً هم متوجه و نزدیک شده اند و از هر گونه مساعدت و همکاری دریغ ندارند.» پایداری ملت در تمام مراحل مبارزه و شایعه پردازی و سمپاشی دشمن از دیگر مطالب مهمی است که در این مقاله بدان پرداخته شده است .

در مقاله دیگری با عنوان «اسرائیل ، اردوگاه امپریالیسم» چگونگی و چرایی غارت و غصب سرزمینهای فلسطینی از سوی یهودیان اسرائیلی تشریح ، سپس به همکاری حکومت پهلوی و دولت ترکیه با اسرائیل اشاره شده است : «و از اینجاست که برادران عرب و مسلمان ما ، ایران و ترکیه را دوستان اسرائیل و حتی اسرائیل دوم می نامند. مسئول این وضع نفرت انگیز ، طبقه حاکمه

بعثت همگانی

ضد ملی ایران و ترکیه است. ملت مسلمان ایران و ترکیه به خاطر شرف، به خاطر اصول انسانی، به خاطر یک میلیون انسان آواره این عمل ضداسلامی حکومت ایران و ترکیه را به شدت تقبیح می کند و خواستار قطع کامل روابط با اسرائیل و برچیدن پایگاه غارتگری امپریالیسم هستند.^{۲۱}

«نقشه های نو»، «بحث فکری در راه تحول»، «ملاقات با آزادشدگان»، «ما بی طرفی می خواهیم»، «اصلاحات در ارتش»، «امپراتور حبشه در ایران»، «سخنی با رادیوهای: صدای ملی و پیک ایران»، «رستاخیز کبیر خلق»، «حکومت قداره بند»، «درود بر علمای مبارز آذربایجان. ننگ بر ستمگران و زورگویان. جشن مشروطیت» و «علایم سازندگی»، عناوین مقالات دیگری است که در شماره نهم مجله بعثت چاپ شده است. در پایان هم خلاصه مهم ترین «اخبار» کشور به آگاهی خوانندگان رسیده است.^{۲۲}

نهمین شماره نشریه بعثت در آخرین روز شهریور ۱۳۴۳ منتشر شد و حدود دو ماه بعد نسخه ای از آن به دست مأموران ساواک افتاد و بلافاصله در میان اداره های مرکزی آن سازمان رد و بدل شد تا مقالات و مطالب مندرج در آن به دقت بررسی شود. در ۷ آبان ۱۳۴۳ اداره کل سوم به اداره هشتم ساواک می نویسد:

گیرنده: مدیریت کل اداره هشتم

فرستنده: اداره کل سوم

شماره: عطف ۴۳/۸/۷-۸۴۱/۲۷۱۷۲

بدین وسیله یک نسخه نشریه شماره ۹ مورخ ۴۳/۶/۳۱ بعثت به پیوست ایفاد می گردد.

امضا از طرف مدیر کل اداره سوم (دکتر فرزین)

حدود پانزده روز بعد ساواک استان مرکز نسخه ای از نشریه را برای اداره کل سوم می فرستد:

گیرنده: تیمسار ریاست ساواک - اداره کل سوم

فرستنده: ساواک استان مرکز

شماره: ۲۰۲۹۳/د

شماره: عطف [ناخوانا/۳۲۵]-۴۳/۸/۲۷

موضوع: نشریه بعثت

یک نسخه از نشریه بعثت (شماره ۹ مورخه ۳۱ شهریورماه ۱۳۴۳) به پیوست ایفاد می گردد.

امضا از طرف رئیس ساواک استان مرکز. مولوی

ارسال دو نامه فوق به پیوست نسخه ای از شماره اخیر بعثت می تواند بدان معنا باشد که ساواک نسبت به مقالات و مندرجات شماره ۹ بعثت نگران شده آن را به اداره های تابعه می فرستد تا با جمع آوری تحلیل ها، نظریات و پیشنهادهای مدیران بخشهای خود، از رشد و

به تزیید و تأثیرات عمیق آن در جامعه جلوگیری به عمل آورد. چنان که انتظار می‌رفت براساس خواسته اداره کل سوم، مأموران ساواک با پی‌گیری هر کدام از شماره‌های بعثت، سعی می‌کرده‌اند با تهیه گزارشهایی، اداره متبوع خود را از چگونگی کار نشریه، اعم از محل نشر و چاپ، تهیه‌کنندگان و نویسندگان و توزیع‌کنندگان و دیگر عوامل آن آگاه سازند. هر چند در این باره آنچنان که باید توفیقی به دست نیاورده، شمار گزارشها با توجه به حجم و وسعت انتشار و توزیع بعثت بسیار اندک بوده، چه بسا نسبت به موضوعات مهم و درخور پردازش آن که ساواک در به در دنبال آنها می‌گشت، آگاهیهای ناقص و گاه بی‌اهمیتی را جمع می‌آوردند. در میان گزارشهای ساواک با موضوع بعثت که در بایگانی «مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی» وجود دارد، سند زیر در خور پردازش است که به نظر می‌رسد بنا بر تکاپو و خواسته اداره کل سوم (در ۲۶ خرداد ۱۳۴۳) درباره چگونگی فعالیت نشریه، آگاهیهایی را به دست می‌دهد. این گزارش در ۱۳ تیر ۱۳۴۳ به ساواک رسیده، ضمن پرداختن به موضوعات انتشار یافته در شماره هفتم بعثت (۱۶ خرداد ۱۳۴۳) نظر مأمور و افسر عملیات تحقیقاتی را نیز داراست:

۲۲۲

موضوع: انتشار نشریه بعثت

شماره: ۳۱۴۱

محل: تهران - قم

تاریخ حادثه: ۴۳/۴/۷

تاریخ وصول خبر: ۴۳/۴/۱۳

منبع خبر: حسن

تاریخ گزارش: ۴۳/۴/۱۴

تقویم: الف - ۱

نشریه‌ای تحت عنوان بعثت (شماره ۷ مورخه ۱۶/۱۶ خردادماه ۱۳۴۳) پیرامون وضع روحانیون و بی‌عدالتی‌هایی که به آنها می‌شود و اخبار توقیف طبقه علما و وعاظ و مطالبی که روزنامه‌های خارجی نسبت به روحانیون نوشته‌اند و اعلامیه‌های منتشره درباره سالروز شهدای ۱۲ محرم و انعکاس انتشار بعثت در محافل اجتماعی ملی و بالاخره پیشنهاد تشکیل جبهه واحد در ده صفحه منتشر گردید.

۲- این نشریه متعلق به هیچ حزب و سازمانی نیست.

۳- این نشریه فقط متعلق به دانشجویان حوزه علمیه قم است.

۴- چون نشریه در قم پلی‌کپی شده از تعداد چاپ آن بی‌اطلاع می‌باشد.

بعثت همگانی

۵- این نشریه در تهران و قم منتشر شده و احتمال می‌رود در شهرهای اصفهان - مشهد - تبریز منتشر گردیده باشد.

۶- از ناشرین اصلی این نشریه اطلاعی در دست نیست، ولی یکی از منتشرکنندگان آن در تهران سیدجعفر هراتیان، سرایدار سرای حاج حسن واقع در بازار، که رئیس حوزه جبهه ملی کمیته بازار است.

۷- اعضای جبهه ملی آن را توزیع می‌کردند.

۸- این نشریه به طور علنی و مخفی توزیع می‌گردد.

۹- محل چاپ پلی کپی آن در شهرستان قم است.

۱۰- هدف از انتشار این نشریه اظهار عقیده طلاب علوم دینی حوزه علمیه قم به مردم است.

۱۱- از این نشریه در بین طبقات به خصوص در بین مؤمنین نسبت به مطالب آن ابراز علاقه می‌کردند.

۱۲ و ۱۳- از تعداد اوراق جمع‌آوری شده و عکس‌العمل‌مأمورین هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

۲۲۳

نظریه مأمور: این نشریه توسط سیدجعفر هراتیان سرایدار سرای حاج حسن واقع در بازار در تاریخ یکشنبه ۷ تیرماه ۴۳ در بازار توزیع می‌گردید که در حدود ۲۰۰ نسخه در یک کیف دستی داشت و ضمن پخش نشریه اظهار می‌داشت ساعت ۲۰ شب گذشته (شنبه ۴۳/۴/۶) یک نفر به من تلفن کرد جعبه‌هایی که شما سفارش داده بودید آماده شده با ماشین بیابید در خیابان کاخ [فلسطین کنونی] نزدیک منزل شاه و دکتر مصدق، تا به شما بدهم. من هم در ساعت مقرر رفتم و نشریه بعثت و پیام دانشجو مورخه خردادماه ۴۳ را دریافت داشته و سپس ساعت ۲۰۳۰ به سرای حاج حسن آورده و به یکایک اعضای جبهه ملی تلفن کرده و در ساعات مختلف حاضر و نشریه را دریافت داشته تا ساعت ۲۳ کلیه آن تقسیم گردید و در ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۴۳/۴/۷ در محل‌هایی که موردنظر ما بود در دسترس اعضای جبهه ملی گذارده شد تا توزیع نمایند.

نظر افسر عملیات: عین نشریه شماره ۷ بعثت و پیام دانشجو مورخه خرداد ماه ۴۳ به پیوست تقدیم می‌گردد.

مأموران ساواک درباره شماره یازده نشریه بعثت که به عنوان شماره دوم از سال دوم در ۲۸ شعبان ۱۳۸۴ برابر با ۱۲ دی ۱۳۴۳ انتشار یافت، گزارشی تهیه کردند. سرمقاله این شماره با عنوان «جنبش رمضان» با بشارت فرارسیدن ماه مبارک رمضان بر انجام تکالیف و تبلیغات مذهبی در مساجد و مراکز دینی تأکید کرده بود. این مقاله از ایام ماه رمضان به عنوان بلای

اجتناب ناپذیری برای هیئت حاکمه ایران و حکومت پهلوی یاد کرده بود. حکومتی که با نام اسلام بر مردم حکم می‌راند و از دیدن تجلیات روح بزرگ اسلام کور است و نمی‌داند که چه کند «نه می‌توانند از اجتماعات عظیم مردم جلوگیری کنند و نه می‌توانند بیننده قشر عظیمی از ملت باشند که در تمام ایام ماه رمضان تحت رهبری و ارشاد مستقیم روحانیت قرار می‌گیرد و در ایام و لیالی قدر، مملکت یک پارچه و در بست و به تمام معنی در اختیار روحانیون است.»^{۲۳}

گزارشگر ساواک درباره شماره ۱۱ بعثت می‌نویسد:

در تاریخ ۴۳/۱۰/۲۱ شماره دوم نشریه بعثت مورخ ۱۲ دیماه به تعداد معدودی در تهران منتشر گردیده است. در نشریه مزبور ضمن حملات شدیدی به هیئت حاکمه از اعمال دولت انتقاد شده است و در سرمقاله این نشریه تحت عنوان جنبش رمضان چنین نوشته شده:

چند روز دیگر ماه مبارک رمضان فرامی‌رسد و هیجان مذهبی سراسر جهان اسلام را فرامی‌گیرد و مردم به مساجد و مراکز مذهبی رو می‌آورند و تبلیغات مذهبی شروع می‌شود.

فرارسیدن این ایام برای هیئت حاکمه ایران به صورت بلایی غیرقابل اجتناب درآمده و برای این دستگاه کثیف و پوسیده که در لجنزار شهوت و رذیلت فرو رفته مصیبت بزرگی است. در اینجا دو نکته است که ملت ایران و آقایان و عاظم و روحانیون و هیئت حاکمه ایران باید بدان توجه کنند. نکته اول که باید مورد توجه ملت و روحانیون قرار گیرد این است که از فرصت فرارسیدن رمضان برای تعقیب هدف الهی و ملکوتی خود بیش از پیش استفاده کرده و با اتحاد و هماهنگی برای رسیدن به یک محیط آزاد و آباد و برقرار داشتن عدالت اجتماعی اسلام کوشش کنند و بدانند که فتح قطعی و پیروزی نهایی به وعده صریح خدا از آن آنان است. ذره‌ای سستی و فتور به خود راه ندهند و از اربابهای هیئت حاکمه نترسند و وظیفه سنگین الهی خود را با کمال نشاط و اتکای به نیروی غیبی الهی که همواره پشتیبان آنان است، به انجام رسانند.

نکته دوم نیز که باید مورد توجه هیئت حاکمه ایران قرار می‌گرفت آمده بود: از فرارسیدن ماه مبارک رمضان این درس را بیاموزند که دین و روحانیت با ریشه جان مردم این سرزمین به هم آمیخته و با هیچ قدرتی نمی‌توان بین این دو جدایی افکند.^{۲۴}

۲۲۴

انتقاد از هیئت حاکمه در چند مقاله دیگر از همین شماره نیز تکرار شده بود و برنامه‌های دولت حسنعلی منصور، هدف قرار گرفته بود. از آنجا که همه مقالات و اخبار نشریه بعثت سالها بعد با همین عنوان به صورت کتابی مستقل منتشر شد و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت، تنها به ذکر بقیه عناوین شماره یازدهم آن، کفایت می‌شود: «یک قدم عقب نشینی، ثمرات مبارزه، دانشگاه اسلامی، اسرائیل تجاوزکار، فرهنگ واژه‌های سیاسی و اجتماعی، نامه آیت‌الله میلانی، اخبار».^{۲۵}

گفته شد که همه امور مربوط به انتشار مجله بعثت به دور از چشم مأموران اطلاعات ساواک انجام می گرفت. حتی بیرون از مجموعه چهار نفری اداره کننده آن، کسی از چگونگی کار نشریه آگاهی نداشت و نمی دانست که چه کسانی در حوزه علمیه قم چنین مجله ای را چاپ و منتشر می کنند. افزون بر این نویسندگان آن را هم کسی نمی شناخت و تمامی مقالات بدون امضا به چاپ می رسید. اما پنهان بودن امور مربوط به نشریه حدود یک سال به طول انجامید؛ به طوری که در اوایل ۱۳۴۳ ش کم کم ساواک برخی از روحانیون را که در اداره و انتشار بعثت فعال بودند، شناسایی نموده فعالیتها و رفت و آمدهای آنان را زیر نظر گرفته بود. گزارشهای زیر که به نقل از ساواک قم و از سوی ساواک تهران به مدیریت کل اداره سوم ارسال شده، حاکی از آن است که دو نفر از اعضای هیئت تحریریه بعثت را که در امور نشر آن نیز بسیار فعال بودند، شناسایی شده، باید هر دو نفر تحت بازجویی قرار می گرفتند:

گیرنده: تیمسار ریاست ساواک، مدیریت کل اداره سوم

فرستنده: ساواک تهران

شماره: ۱۰۲۸۲/ [ناخوانا]

شماره: عطف ۳۲۱/۱۵۱۹۶ - ۴۳/۴/۲۰

موضوع: نشریه بعثت

ساواک قم گزارش می نماید:

طبق تحقیقاتی که به عمل آمده علی حجتی کرمانی که در تهران بازداشت است و همچنین سیدهادی خسروشاهی که فعلاً در تبریز می باشد از نحوه چاپ و انتشار نشریه بعثت مطلع اند. مقرر فرمایید در این مورد از نامبردگان تحقیق شود.

امضا از طرف رییس ساواک استان مرکز. مولوی

به رغم آنکه در این زمان حجتی کرمانی در زندان به سر می برد و ساواک نیز به دنبال کسب اطلاعاتی از او درباره بعثت بود، لیکن با توجه به گزارشهای بعدی مأموران ساواک، به نظر می رسد که تا زمان زندانی بودن وی، ساواک به هدف خود دست نیافته همچنان از کم و کیف انتشار بعثت بی اطلاع ماند. زیرا حجتی کرمانی در بازجوییها سخنی درباره انتشار نشریه بعثت به میان نیاورده است. چرا که در گزارش بعدی، علاوه بر اینکه خبر ترخیص حجتی کرمانی از زندان پس از ۲۰ تیر ۱۳۴۳ نهفته است، همچنان بر تحقیق و بازجویی از وی درباره نشریه مزبور تأکید دارند:

گیرنده: ریاست ساواک تهران

فرستنده: اداره کل سوم

شماره: عطف ۳۰/۱۰۲۸۲ الف - ۴۳/۵/۱۵

موضوع: نشریه بعثت

علی حجتی کرمانی اخیراً از زندان مرخص گردیده است. خواهشمند است دستور فرمایید در این مورد از نامبرده تحقیق نمایند.

امضا از طرف مدیرکل اداره سوم - مقدم

تهیه کننده - صابری [امضا]

متصدی پرونده - شهابی [امضا]

رئیس بخش ۳۲۱ - امینی [امضا]

اسناد موجود اطلاعی از چگونگی بازجوییها و تحقیقات ساواک از عوامل انتشار بعثت به دست نمی دهد، اما نوشته سیدهادی خسروشاهی در مقدمه کتاب بعثت - که همه شماره های مجله را در ۱۳۷۹ ش زیر عنوان مجموعه اسناد نهضت اسلامی ایران تجدید چاپ کرده است - حکایت از آن دارد که هر دو شخص نامبرده شده در گزارشهای فوق، از فعالیتهای خود در بازجوییها از انتشار بعثت سخنی به زبان نیاورده اند: «... البته ساواک چندین بار اینجانب را برای کشف مسئله بعثت در قم دستگیر و یا احضار نمود و بازجویی کرد، اما بازجویی آنها، نتیجه ای نداشت و برادرمان علی حجتی کرمانی نیز همین سرنوشت را داشت و علی رغم سوءظن ساواک به اینجانب و ایشان، بالاخره نه دستگاه پلی کپی و نه رفقای همکار، برای آنها شناخته نشدند.»^{۲۶}

بنابراین انتشار مجله بعثت تا حدود یک سال پس از ارسال دو گزارش بالا، که حکایت از شناسایی برخی از فعالان آن داشت، همچنان ادامه یافت؛ تا اینکه در اول بهمن ۱۳۴۳ حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، به ضرب گلوله اعضای هیئتهای مؤتلفه اسلامی کشته شد. در پی آن عده ای از روحانیان فعال و مبارز دستگیر و روانه بند ۲ زندان قزل قلعه شدند، که در میان آنان هاشمی رفسنجانی و سیدهادی خسروشاهی از جمله اداره کنندگان مجله بعثت بودند. آنان چند روزی را در بند ۲ گذراندند تا اینکه تعدادی از ایشان از جمله هاشمی رفسنجانی به بند انفرادی منتقل گشتند. خسروشاهی ضمن اشاره به جریان دستگیریشان و با «بحرانی خواندن شرایط و اعمال شکنجه های وحشیانه در زندان» از نگرانی همکاران خود مبنی بر لو رفتن امور مربوط به بعثت یاد کرده، ماجرای تحمل شکنجه ها و ندادن اعتراف از کار نشریه بعثت را در زندان شرح می دهد:

... یک سرباز ترک که مأمور بردن غذا به آقای رفسنجانی و آقای گل سرخی بود، از شرایط سخت و شکنجه آنان خبر می داد... و روزی در حیاط قزل قلعه که من با شادروان داریوش فروهر - همیشه زندانی بند ۱ قزل قلعه - والیبال بازی می کردیم، سرباز همشهری پنجره بند انفرادی آقای

بعثت همگانی

رفسنجانی را به من نشان داد و این فرصتی بود که من روز بعد، ضمن شعرخوانی عربی! با آواز بلند! در جلو پنجره بند انفرادی آقای رفسنجانی، از ایشان پرسیدم که از بعثت چه گفتند؟ آیا مسئله بعثت هم در بازجویی مطرح شده یا نه؟ و ایشان اعتراف کرده‌اند یا نه؟ تا ما در بازجویی جرم را فقط به گردن ایشان نگذاریم!

آقای رفسنجانی با عربی شکسته بسته! خاص خود- که بعدها می‌گفت به بهانه خواندن قرآن با صدای بلند آنها را می‌گفت- اعلام کرد که من هیچ اعترافی نکرده‌ام، اگر اینها بفهمند که در نشر آن دخالت داریم، وضع همه سخت‌تر خواهد شد... اگر بازجویی به شکنجه رسید، سعی کنید که آن را تحمل کنید و گرنه هر اعترافی، شکنجه بدتری به دنبال خواهد داشت و به هر حال اگر نتوانستید تحمل کنید، بهتر است که مسئولیت آن را به تنهایی به عهده بگیرید...

می‌خواستم شعر! خواندن را ادامه بدهم که سرباز گشت آمد و اخطار کرد که جلو آن پنجره روضه نخوانم! و من به سوی بند انفرادی آیت‌الله انواری رفتم و با روضه! خواندن- به قول سرباز- به احوالپرسی از ایشان پرداختم... [و سخن آخر اینکه] در بازجوییها سخنی درباره بعثت نگفتیم...^{۲۷}

۲۲۷

تلاش ساواک در شناسایی عوامل انتشار بعثت بعد از توقف آن همچنان ادامه داشت و در پی اقدامات بازدارنده در زمینه نشر و توزیع شماره‌های آن بود. نامه زیر که حدود پانزده ماه پس از تعطیلی بعثت از سوی مدیرکل اداره سوم، مقدم خطاب به مولوی رئیس ساواک استان مرکز، ارسال شده بیان‌کننده این واقعیت است:

از: اداره کل سوم ۳۱۶

شماره: ۳/۶/۴۵۲۶۸

تاریخ: ۴۴/۹/۲۸

به: ریاست ساواک استان مرکز

درباره: نشریه بعثت

پیرو شماره‌های ۳۱۶/۲۸۲۲۲-۴۴/۶/۷

۴۴/۷/۸-۳۱۶/۳۵۰۸۰

خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامات معموله این اداره کل را آگاه سازند- م

مدیرکل اداره سوم. مقدم

سابقه ۲۸۴۴/۹/۲۰

پس از پایان انتشار مجله بعثت، ساواک به رغم تلاشهای زیاد، از کشف شماره‌های آن در منزل و محل کار افرادی که نسبت به فعالیت آنان در نشر مجله گمان داشت، عاجز ماند و

شماره های منتشر شده بعثت همچنان از گزند بازرسیها و هجومهای شبانه در امان ماند.^{۲۹} این نشریه بعدها در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۹ ش به ترتیب به همت علی حجتی کرمانی و سیدهادی خسروشاهی به چاپ رسید.

پانوشتها:

- ۱- بعثت، نشریه داخلی دانشجویان حوزه علمیه قم در سالهای ۱۳۴۴ - ۱۳۴۲ ش، به قلم اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدهادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی و سیدمحمود دعائی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، مرکز بررسیهای اسلامی و کلبه شروق (تهران)، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۹.
- ۲- همان، ص ۴۶.
- ۳- همان، ص ۳۶.
- ۴- همان، صص ۲۶ - ۲۵.
- ۵- یاد (فصل نامه)، س ۱۲، ش ۴۵ - ۴۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۶ ش)، صص ۱۲۷ - ۱۲۴.
- ۶- پیام آیت الله خویی: «متن تلگراف زعیم حوزه علمیه نجف اشرف حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدابوالقاسم خویی مدظله العالی
دولت جناب اجل آقای حسنعلی منصور نخست وزیر محترم تهران دولت سابق به یک رشته اعمال اقدام نمود که تاریخ و ملت مسلمان ایران نتایج تلخ آن را هرگز فراموش نخواهد نمود. اهانت بدین و مقدسات مذهب و علماء و روحانیون و فشار بر ملت در رأس برنامه بود. تذکرات ما مؤثر نشد نتایج آن که اهم آنها بدبینی و تنفر ملت از دولت بود بر جنابعالی مخفی نیست. امیدواریم جنابعالی اشتباهات را تدارک و الغاء قوانین مخالف اسلام را در رأس برنامه خود قرار دهید و آزادی ملت و حضرت آیت الله خمینی و آیت الله قمی را پیشنهاد می نمائیم. ابوالقاسم الموسوی الخوئی نجف اشرف ۲۳ شوال ۱۳۸۳».
- ۷- انتقام: بعد از نشریه بعثت، دومین نشریه مخفی دانشجویان حوزه علمیه قم بود که نخستین شماره آن در ۲۹ آذر ۱۳۴۳/۱۵ شعبان ۱۳۸۴ منتشر گردید. سرلوحه انتشار آن آیه «والله عزیزذو انتقام» بود. محتوای مقالات آن تا حدودی به بعثت همانند بود با این تفاوت که اندکی لبه حملاتش تیزتر و تندتر و به اصطلاح رادیکال تر بود. انتقام توسط محمدتقی مصباح یزدی تهیه، تنظیم و تکثیر می شد؛ حتی بسته بندی و توزیع آن را خود وی به تنهایی انجام می داد. در این زمان مقالاتی را نیز در نشریه بعثت به چاپ می رسانید. از انتقام هشت شماره منتشر گردید و آخرین شماره آن در ۱۵ مهر ۱۳۴۴/۱۱ جمادی الاخر ۱۳۸۵ منتشر شد. بعدها سیدهادی خسروشاهی پس از کسب اجازه از صاحب آن در ۱۳۷۹ ش توسط انتشارات مرکز بررسیهای اسلامی (قم) و کلبه شروق (تهران) آن را به دست چاپ سپرد.
- ۸- بعثت، ص ۶.
- ۹- همان، ص ۲۴.

بعثت همگانی

- ۱۰- جعفریان ، رسول ، جریانها و سازمانهای مذهبی و سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا...)، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، ۱۳۸۳ ش ، ص ۳۲۵ .
- ۱۱- بعثت ، ص ۱۷ .
- ۱۲- همان ، ص ۲۲ .
- ۱۳- بازرگان ، مهدی ، یادداشتهای روزانه ، تهران ، روزانه ، ۱۳۷۶ ش ، ص ۲۴۱ .
- ۱۴- در یادداشتهای روزانه مهندس بازرگان به اشتباه آذر ۱۳۴۴ ذکر شده است .
- ۱۵- یادداشتهای روزانه ، صص ۳۰۱ و ۳۴۳ .
- ۱۶- بعثت ، ص ۱۴ .
- ۱۷- یاد (فصل نامه) ، س ۴ ، ش ۱۶ (پاییز ۱۳۶۸ ش) ، ص ۵۹؛ به نقل از بعثت ، ص ۲۸
- ۱۸- بادامچیان ، اسدالله و علی بنایی ، هیئتهای مؤتلفه اسلامی ، تهران ، اوج ، ۱۳۶۲ ش ، صص ۲۸۹ - ۲۸۵ .
- ۱۹- بعثت ، ص ۳۲ .
- ۲۰- همان ، ص ۳۰ .
- ۲۱- همان ، صص ۱۷۱ و ۱۷۴ .
- ۲۲- همان ، ۱۷۴ و ۱۹۰ .
- ۲۳- همان ، ص ۲۲۷ .
- ۲۴- همان ، ص ۲۲۸ .
- ۲۵- همان ، ص ۲۲۵ .
- ۲۶- همان ، ص ۳۰ .
- ۲۷- همان ، صص ۳۱ - ۳۷ .
- ۲۸- همان ، ص ۳ .
- ۲۹- همان ، صص ۱۳ و ۱۴ .

